



فرآیند اجرایی محورهای هشتمین دوره جشنواره نوجوان خوارزمی

سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱



وقتی گریبان عدم با دست خلقت می درید
وقتی ابد چشم تو را پیش از ازل می آفرید
وقتی زمین ناز تو را در آسمانها می کشید
وقتی عطش طعم تو را با اشکهایم می چشید
من عاشق چشمت شدم، نه عقل بود و نه دلی
چیزی نمی دانم از این دیوانگی و عاقلی
یک آن شد این عاشق شدن دنیا همان یک لحظه بود
آندم که چشمانت مرا از عمق چشمانم ربود
وقتی که من عاشق شدم شیطان به نامم سجده کرد
آدم زمینی تر شد و عالم به آدم سجده کرد
من بودم و چشمان تو، نه آتشی و نه گلی
چیزی نمی دانم از این دیوانگی و عاقلی
من عاشق چشمت شدم شاید کمی هم بیشتر
چیزی از آنسوی یقین، شاید کمی هم کیش تر
آغاز و ختم ماجرا لمس تماشای تو بود
دیگر فقط تصویر من در مردمک های تو بود
من عاشق چشمت شدم...

مخوزبان و ادبیات فارسی

رابط منطقه / دبیر مدرسه	ناظر استان (سرگروه درس)	انفرادی / گروهی	پایه	دروس هدف	محور	ردیف
ادبیات فارسی	ادبیات فارسی	انفرادی - گروهی (یک پسر، یک دختر)	هفتم، هشتم، نهم	نگارش و فارسی	زبان و ادبیات فارسی	۱

در این محور دانش‌آموزان با تمرکز بر درس «نگارش و فارسی» در تمامی مراحل اجرای جشنواره، مطابق گام‌های زیر فعالیت نموده و پس از «ارزیابی حضوری» اسامی برگزیدگان به همراه «مستندات مرتبط» به مراحل پسین، معرفی و ارسال می‌شود:

گام اول: تصویرخوانی

در این گام، دانش‌آموزان باید عنوان، جزییات و پیام تصویر را در بخش «تصویرخوانی» در برگه انشا بنویسند.

گام ۲: نگارش (تصویرنویسی)

در این گام دانش‌آموزان با گزینش موضوعی مناسب از پیام‌های تصویر و خوشه‌های معنایی «انشا» به نگارش انشایی، تحلیلی، انتقادی، توصیفی، عاطفی و... در سه بخش «مقدمه، تنه و نتیجه» می‌پردازند. هم‌چنین دانش‌آموزان در این بخش می‌توانند، بر اساس علاقه‌مند بودن به داستان‌نویسی، پس از گزینش موضوع از مفاهیم و اهداف تصویر، به جای انشای ساختاری، یک داستان کوتاه بنویسند.

گام ۳: خوانش متن، ارائه و دفاع

در این گام تا پایان مرحله منطقه‌ای، دانش‌آموزان، بخش تصویرنویسی (نگارش: موضوع، مقدمه، تنه و نتیجه) اثر آفرینش یافته یا داستان خویش را با بهره‌گیری از لحن مناسب کلام، ظرفیت‌های پیرا زبانی و ... با بیانی شیوا، رسا و تأثیرگذار می‌خوانند. سپس در مرحله استانی، طبق زمان تعیین شده، اقدام به خوانش «یک بند کلیدی» از تنه و سپس به ارائه متن و دفاع از اثر خویش می‌پردازند.

شایان یاد است؛ بخش «ارائه و دفاع» فقط در مرحله «استانی» به انجام می‌رسد.

نکته: این بخش به منظور قرارداد دانش‌آموزان در مرحله‌ای بالاتر، جهت تقویت فن بیان، پرورش اعتماد به نفس و نمود خودباوری براساس اهداف کتاب‌های مهارت‌های نوشتاری و ادبیات فارسی (بخش گفت‌وگو، بازپروری، بارش فکری، پرورش سخن گفتن و ...) تعبیه شده است.

■ مراحل مدرسه‌ای و منطقه‌ای

در مرحله مدرسه و منطقه، پس از ارائه تصویر به دانش‌آموزان، گام‌های «تصویرخوانی، نگارش و خوانش متن» اجرا و بر اساس نمونه برگ شماره (۱-۳- تصویر خوانی و نگارش) و نمونه برگ شماره (۲-۳- خوانش متن) سنجیده می‌شود.

■ مرحله استانی

در این مرحله علاوه بر اجرای بخش‌های یاد شده در مراحل مدرسه‌ای و منطقه‌ای، بخش «ارائه و دفاع» نیز به «خوانش متن» اضافه شده و مطابق نمونه برگ ارزیابی (۱-۳- تصویر خوانی و نگارش) و نمونه برگ ارزیابی (۲-۳- خوانش متن، ارائه و دفاع) سنجیده می‌شود. تعیین زمان، جهت «خوانش، ارائه و دفاع» بر عهده ناظر محترم استانی است.

توجه:

۱. شرکت دانش آموزان در این محور به صورت **انفرادی** است. اما از مرحله منطقه ای به بعد، سهمیه هر منطقه و استان دو نفر (یک دختر و یک پسر) خواهد بود، شایان یاد است؛ پسران و دختران هرگروه، با گروه های هم جنس خود سنجیده می شوند.
۲. به دانش آموزان، پیش از شروع گام خوانش، زمان لازم برای تمرین داده می شود.
۳. کل زمان اختصاصی ارزیابی حضوری این محور، در مجموع حدود (۱۷۰) دقیقه است. (۱۵۰ دقیقه نگارش، ۲۰ دقیقه خوانش متن، ارائه و دفاع)
- تعیین زمان، جهت آمادگی در بخش «خوانش، ارائه و دفاع» تقریبی است. پیشنهاد می شود، در مرحله استانی ۱۵ دقیقه جهت آمادگی و خوانش، ۵ دقیقه نیز جهت ارائه و دفاع لحاظ شود. تقسیم زمان جهت خوانش، ارائه و دفاع هم-چنین تعیین تعداد بندهای خوانش تنه، به صلاح-دید ناظر گرامی مرحله استانی است.
۴. در گام خوانش، فقط بخش نگارش انشای خلق شده خوانده می شود و نیازی به خوانش عنوان، جزئیات و پیام تصویر نیست.
۵. ضروری است به همراه معرفی اسامی برگزیدگان به مراحل بعد، اصل اثر نوشتاری و لوح فشرده خوانش نیز ارسال شود.
۶. در نمونه برگ ارزیابی ۱-۲، زیرمعیارهای شماره یک هر بخش، مربوط به ارزیابی «تصویرخوانی» و «تصویرنویسی» است و زیرمعیارهای شماره دو هر بخش، مربوط به ارزیابی «داستان-نویسی» است.

نمایه زمانبندی فرآیند اجرایی، هشتمین دوره جشنواره نوجوان خوارزمی

تشکیل شورای دبیران ویژه برنامه ریزی و فعال سازی مرحله مدرسه ای جشنواره	• مهر ماه
اطلاع رسانی و توجیه دبیران، دانش آموزان و اولیای آن ها	• مهر ماه تا پایان آنر ماه
ثبت نام دانش آموزان از طریق پورتال همگام	• مهر ماه تا پایان بهمن ماه
تشکیل گروه های دانش آموزی به تفکیک هر محور جهت هدایت و راهبری دانش آموزان در شبکه شاد	• تا پایان آذر ماه
معرفی دانش آموزان به پژوهش سراها، مراکز تحقیقاتی و نوآوری، شرکت های دانش بنیان و ...	• مستمر
ارائه اثر توسط دانش آموزان به مدرسه و بارگذاری فایل مستندات در پورتال همگام	• پایان بهمن ماه
برگزاری مسابقات، ارزیابی آثار شرکت کنندگان توسط دبیران مربوطه و ارائه بازخورد به آنان	• تا نیمه اسفند ماه
معرفی یک اثر برگزیده و مستندات مربوطه در هر محور به منطقه	• نیمه اسفند ماه
ارزیابی آثار راه یافته به مرحله منطقه به تفکیک شش محور و ارائه بازخورد به صاحبان اثر	• نیمه دوم اسفند ماه
معرفی یک اثر برگزیده و مستندات مربوطه در هر محور به استان	• نیمه اول اردیبهشت ماه
ارزیابی آثار راه یافته به مرحله استانی به تفکیک شش محور و ارائه بازخورد به صاحبان اثر	• نیمه اول تیر ماه
معرفی یک اثر برگزیده و مستندات مربوطه در هر محور به مرحله کشوری	• نیمه دوم تیر ماه
برگزاری مراسم تجلیل از دانش آموزان برگزیده استانی و تهیه و ارسال فیلم مربوطه به دبیرخانه	• نیمه دوم تیر ماه
برنامه ریزی و ساماندهی دانش آموزان راه یافته به مرحله کشوری جهت شرکت در رویدادهای علمی فناوری	• نیمه اول مرداد ماه
برگزاری رویدادهای علمی فناوری دانش آموزان راه یافته به مرحله کشوری و برگزاری آیین اختتامیه	• نیمه دوم مرداد ماه
هدایت و حمایت از دانش آموزان راه یافته به مرحله کشوری از طریق تشکیل شبکه یادگیری	• شهریور ماه به بعد



به نام خدا

جشنواره توجوان خوارزمی

گام اول و دوم: تصویرخوانی و نگارش در (تمام مراحل)

۷۰ امتیاز

معیار		زیرمعیار	۱	۲	۳	۴	۵	توضیحات	
تصویرخوانی	۱	انتخاب عنوان برای تصویر: جذاب، کوتاه، مرتبط، نگاه نو و متفاوت ادبی توجه به جزئیات تصویر:							
	۲	رنگه خطوط، عناصر، استفاده از حواس پنجگانه، تخیل و کشف ارتباط عناصر تصویر یا یکدیگر از پروانه و درونه تصویر، درون خوانی و برون خوانی تصویر، موفقیت در فضا سازی تصویر، خواندن چشمی، خواندن تجسمی، اندیشه خوانی و ...							
	۳	درک درست از عناصر و پیکره تصویر: پیام تصویر، درک مناسب و کشف یک یا چند برداشت عمیق و گسترده از تصویر، چگونگی تحلیل اهداف تصویر							
	۴	خلاقیت و نوآوری در تصویر خوانی: عنوان، جزئیات و پیام تصویر							
نگارش	موضوع	۵-۱: انتخاب موضوع مناسب از تصویر: گویه، رسا، مرتبط با تصویر و مناسبت فرهنگی - اجتماعی و زندگی روزانه ۵-۲: گزینش نام یا موضوع داستان (با توجه به آرمه های تصویر و تم داستان)							
		۶-۱: خوش آغازی: جذابیت شروع، نشان دادن تمایز کلی از محتوا و فضای نوشته ۶-۲: عمق طرح یا پی رنگ: ساختار، چارچوب، نظم و ترتیب منطقی حوادث داستان							
	مقدمه	۷-۱: بیان مناسب اندیشه و برداشت نویسنده از موضوع: مربوط به بخش مقدمه، خوش آغازی و جمله های موضوع هر بند ۷-۲: آغاز و شروع متفاوت داستان، درک و آفرینش بینشی نوین از درون مایه داستان های کهن با عمق و تازگی بخشیدن به آن							
		۸-۱: پشتیبانی از طرز نگرش خود در بخش بدنه: شرح و توضیح، توصیف، تفسیر، استدلال و اثبات برای جملات تکمیلی و تقویت کننده هر بند با استفاده از شیوه های فعال سازی ذهن و تفکر خلاق همچون مقایسه، جانپن سازی، دگرگونه دیدن، استکبر، تبدیل تصویر به تفسیر بدون توجه به جزئیات تصویر و ... ۸-۲: شخصیت پردازی، فضا سازی (وحدت سه گانه زمان، مکان و صحنه)، انعطاف پذیری در زمان و انتخاب شخصیت ها، دیدگاه نویسنده							
	تنه	۹-۱: انسجام متن و رعایت نظم ذهنی نوشته: رعایت ساختار نوشته نظیر: مقدمه، تنه و ... ارتباط منطقی بین بندها، تنه و نتیجه، داشتن وحدت فکر و موضوع، تأثیرگذاری واحد بر ذهن مخاطب، ارتباط منطقی بین بندها، پیوستگی در ارائه درونیات تصویر							
		۹-۲: گفت و گو، زاویه دید (خط سیر روایی، داستانی بودن نثر)، دارا بودن مفهوم جنی برای مفهوم سطح ظاهری داستان، روان و ساده بودن نثر داستان، پرهیز از شعاری- تکلفی و مقاله نویسی، پرهیز از کاربرد کلمات تکراری							
		۱۰-۱: خلاقیت و نوآوری (بهره گیری از زبان ادبی و عاطفی، ترکیب های زیبا و خوش ساخت، داشتن رنگ و بوی ادبی، داشتن نگاه متفاوت به موضوع، نگاه تازه در پرداخت و پردازش موضوع، میزان نوآوری و ابتکار در ارائه مطالب) ۱۰-۲: حوادث (کشاکش و گره افکنی، تعلیق، اوج داستان)، لحن (پوشش خارجی وضع و محیط روانی و اجتماعی شخص یا شخصیت) داستان							
	۱۱	درست نویسی (رعایت نشانه های نگارشی، املا صحیح واژگان، دستور زبان و خط خوش، رعایت فرورفتگی های هر بند و پیراسته نویسی)							
	۱۲	ارتباط متن و داستان با موضوع برگرفته از مفاهیم تصویر							
	نتیجه (برآیند)	۱۳-۱: خوش فرجایی: فرود مناسب، جمع بندی تأثیرگذار و تفکر برانگیز							
		۱۳-۲: پرداخت و پایان بندی داستان							
	جمع امتیاز از ۷۰								

جمع کل امتیاز	به عدد:	به حروف:
نام و نام خانوادگی داوران:		
نام و نام خانوادگی ناظر:		



به نام خدا
چشمتواره نوجوان خوارزمی

کام سوم: خوانش متن در (مراحل مدرسه‌ای و منطقه‌ای) **۳۰ امتیاز**

شناسه گروه در همگام:	استان:
نام و نام خانوادگی دانش‌آموز:	تاریخ و ساعت ارزیابی:
موضوع انتخابی از تصویر:	زمان اجرا: ۲۰ دقیقه

ردیف	معیار	توضیحات					
		۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	صدای بلند و رسا، قدرت بیان، خوانش روان، تلفظ درست واژگان، گویایی، شیوایی						
۲	لحن مناسب کلام، رعایت آهنگ (فراز و فرودهای آوایی و رعایت مکث و درنگ)						
۳	بهره‌گیری از زبان غیرکلامی و ظرفیت‌های پیرایاتی (زبان بدن، حالات چهره و ...)						
۴	تسلط در اجرا، برقراری ارتباط چهره‌به‌چهره با مخاطبان، گرمی، جذابیت و نشاط لازم در صدا						
۵	رعایت اصول اخلاقی و مهارت‌های رفتاری، پوشش مناسب، موسیقی پس‌زمینه خوانش، هماهنگی موسیقی با لحن کلام و متن						
جمع امتیاز از ۳۰							

جمع کل امتیاز از ۱۰۰	به عدد:	به حروف:
نام و نام خانوادگی داوران:		
۱.		
۲.		
۳.	نام و نام خانوادگی ناظر:	امضا:

(بازخورد و ثبت عملکرد دانش‌آموز)



نمون برگ شماره ۳-۳- ارزیابی خوانش متن. ارائه و دفاع محور زبان و ادبیات فارسی

به نام خدا

جشنواره توجوه خوارزمی

گام سوم: خوانش متن، ارائه و دفاع در (مرحله استانی) ۳۰ امتیاز

شناسه گروه در همگام:	استان:
نام و نام خانوادگی دانش آموز:	تاریخ وساعت:
موضوع انتخابی از تصویر:	زمان اجرا: ۲۰ دقیقه

ردیف	معیار	۱	۲	۳	توضیحات
۱	قدرت بیان: صدای بلند و رسا، خوانش روان، تلفظ درست واژگان، گویایی و شیوایی، بیان روشن مطالب یا حفظ احترام و ادب				
۲	لحن مناسب کلام: تغییر لحن و تن صدا، رعایت آهنگ (دارا بودن فراز و فرودهای آوایی و رعایت مکث و درنگ)، تغییر لحن، آهنگ و تن صدا بر اساس گفت‌وگویی شخصیت‌های داستان				
۳	بهره گیری از زبان غیرکلامی و ظرفیت‌های پیرایه‌ای: دارا بودن زبان بدن، حالات چهره و ...				
۴	تسلط بر محتوای قابل ارائه: (معرفی کوتاه، بیان موضوع، اشراف بر محتوا، بیان کلیه‌ها و پرداختن به مفاهیم اصلی متن، واضح بودن مطالب ارائه شده، دوری از حاشیه‌ها و عدم به‌کارگیری واژگان نامأنوس)				
۵	رعایت اصول اخلاقی و مهارت‌های رفتاری: رفتاری فروتنانه در مقابل داوران و پرهیز از بحث با ایشان، حسن‌جویی مرتبط با محتوای ارائه در زمان بیان و تحکیم دلایل خویش، نداشتن موضع شاقی در هنگام دفاع، دوری از رفتارهای بیانگرانه دانش فوق‌العاده				
۶	آمادگی کامل در اجرا و ارائه شایسته و متفاوت: ارتباط و مشارکت لازم با مخاطبان، برقراری ارتباط چهره به چهره با مخاطبان، نگاه به شنوندگان، گرمی، جذابیت و نشاط لازم در صدا، پوشش مناسب، موسیقی پس‌زمینه خوانش و ارائه، هماهنگی موسیقی با لحن کلام و متن				
۷	رویکرد روایتی در ارائه: بیان و ارائه متن از نقطه آغازین تا نکته انتهایی به زبان خویش، استفاده از جملات و عبارات خود، نظم در ارائه، طرح سؤال و ایجاد چالش و پاسخ از جانب خویش				
۸	خلاقیت در ارائه: نبود ارائه‌های تکراری و کلیشه‌ای، شروعی نوآورانه، خوانش بی‌تکراری در آغاز، پخش تصاویری مرتبط با ارائه یا هماهنگی مسئولان اجرا و ...				
۹	درگیر نمودن داوران: متکلم وحده نبودن، بهره‌گیری از سخنان داوران جهت بهبود ارائه، پاسخ به سؤالات داوران، داده‌پراکنی نمودن با مخاطبان				
۱۰	مدیریت زمان، سپاس و قدردانی از داوران: تنظیم زمان ارائه در وقت تعیین شده، سپاس‌گزاری از افراد ادیب و صاحب‌قلم استان، سرگروه‌های زبان و ادبیات فارسی و ناظران محور				
جمع امتیاز از ۳۰					

جمع کل امتیاز از ۱۰۰	به عدد:	به حروف:
نام و نام خانوادگی داوران:	امضا:	
۱.		
۲.		
۳.		
نام و نام خانوادگی ناظر:	امضا:	

(بازخورد و ثبت عملکرد دانش آموز)

داستان زیبا، سمفونی منسجمی است که در آن ساختار، موقعیت، شخصیت، ژانر و ایده پیوندی ناگسستنی دارند. نویسنده باید برای هماهنگ کردن این عناصر به مطالعه عناصر داستان پردازد چنانکه گویی این عناصر سازهای یک ارکسترند، نخست به صورت مجزا و سپس در کنار هم.

▶ عناصر داستان

- ▶ داستان در میان ملل جهان سابقه‌ای طولانی دارد و در مسیر طولانی و پرفراز و نشیب خود، شاهد تحولات، تغییرات، پیشرفت‌های زیاد و عمیق و نیز اشکال مختلف بوده است. داستان دارای بافت هندسی و ترکیب خاص و دارای عناصر ویژه‌ای بوده و هست به طوری که آن را از سایر اشکال و فنون ادبی متمایز می‌سازد و در این میان داستان هنری معاصر، علاوه بر دارا بودن عناصر عمومی و مشترک در داستان، دارای عناصر و اجزای خاصی است که همه این عناصر در هماهنگی کامل و نظام‌مند در خدمت پیام و اندیشه داستان هستند.
- ▶ داستان معمولاً با مقدمه‌ای درباره‌ی اندیشه اصلی آغاز می‌شود تا ذهن خواننده از ابتدا برای فهم بهتر و پیگیری آسان‌تر حوادث بعدی آماده شود. نگاه اندکی پس از شروع داستان، در روند طبیعی آن، گره ایجاد می‌شود تا خواننده و شنونده تشویق شود و خود را در باز کردن گره ایجادشده سهیم و شریک بداند؛ به عبارت دیگر، داستان با سرآغاز شروع می‌شود و سپس با حوادث و درگیری‌ها پیش می‌رود. این تقابل به تضاد و نقطه‌ای اوج یا بحران می‌رسد و مخاطب داستان در اوج احساسات و تأملات به سر می‌برد و نگاه گره ایجادشده آرام‌آرام گشوده می‌شود و کار داستانی از نقطه اوج، رو به نشیب می‌نهد و پایان می‌یابد. ^[۱]
- ▶ داستان در مقایسه با اشکال هنری دیگر، با واقعیت ساختار وجودی انسان تناسب و ارتباط بیشتری دارد. انگیزه حقیقت‌جویی در وجود انسان باعث می‌شود داستان بیش از هر اثر هنری دیگر در او تأثیر بگذارد. داستان اجزا و عناصری دارد که در قالب خاصی ریخته می‌شوند تا به طور منظم و هم‌آهنگ و در راستای تأمین هدفی فکری حرکت کنند.

بخش های داستان

۱- طرح (Plot) اولین عنصر طرح داستان است. تعاریف متعددی از طرح داستان در کتاب ها ارائه شده است. به طور کلی طرح داستان نوعی ساختار بندی است که دربرگیرنده اتفاقات و رویدادهای متوالی است. طرح داستان ترتیب و توالی حوادث برحسب قانون علت و معلولی را نشان می دهد. **به عبارتی طرح، قاب بندی داستان را شکل داده و ساختار حوادث داستانی را براساس نظم و به کمک شخصیت های داستان می چیند.**

موضوع داستان

► ۲- موضوع داستان آن چیزی است که داستان درباره آن نگارش می‌گردد. کشش و جذابیت موضوع دارای اهمیت فراوانی است. سوژه یا موضوع داستان هم چنین باید با تجارب، احتیاجات، انتظارات و قدرت درک و تشخیص مخاطبان متناسب باشد. این تناسب باید به گونه‌ای باشد که داستان را برای خواننده قابل قبول و منطقی جلوه داده و علاوه بر اینکه به سوالات ایشان درباره داستان پاسخ می‌دهد، تخیل و کنجکاوی ایشان را برانگیزد. تمایز نقش مهمی را در انتخاب موضوع دارد؛ به طوری که داستان در صورتی ارزش نگارش دارد که حداقل دارای نکته متمایز از موضوع‌های تکراری ارائه دهد. در داستان کوتاه، موضوع مانند اسکلتی است که رویدادهای داستان به آن متصل‌اند. موضوع داستان بذر اولیه‌ای است که در زمین ذهن نویسنده کاشته می‌شود. به گونه‌ای که رشد و شکل‌گیری داستان در گرو این بذر است.

درون‌مایه

۳- درون‌مایه فکر غالب در داستان را درون‌مایه یا پیام داستان می‌گویند. درون‌مایه جهت فکری نویسنده را نسبت به محیط اطرافش نشان می‌دهد. درون‌مایه رشته‌ای است که در خلال اثر هنری کشیده می‌شود و اتفاقات داستان را به هم پیوند می‌دهد. درون‌مایه را برآیند معنوی داستان تعریف کرده‌اند؛ از این‌رو است که همه عناصر داستان در پرورش و پرداخت آن موثرند. در واقع درون‌مایه داستان، ثمره "نظمی دقیق میان عناصر داستانی" است که از آن به "وحدت هنری" تعبیر می‌شود. در تعبیر دیگر درون‌مایه عبارت است از موضوع داستان یا موضوع کلی که داستان تصویری از آن است.

شخصیت و شخصیت پردازی

۴- شخصیت و شخصیت پردازی: شخصیت داستان به اسطوره‌ها، قهرمانان و افراد در داستان اشاره دارد، که از ارزش ادبی بسیاری به دلیل شکل بخشی به داستان برخوردار است. می‌توان گفت که هریک از افراد در داستان، نمودهای شخصیتی از اجتماعی هستند، که دنیای نویسنده به آن‌ها جان می‌بخشد. یک نویسنده برای آنکه شخصیت‌های داستان را به خواننده بشناساند، باید به بیان مشخصه‌های فیزیکی و رفتاری شخصیت‌های داستان بپردازد و به عبارتی شخصیت‌ها را باور پذیر نماید. این عمل را شخصیت پردازی می‌گویند. در تعریف دیگر از شخصیت پردازی آمده است که شخصیت پردازی به معنای خلق شخصیت‌های داستان از طریق خصوصیات اخلاقی و روحی معین در دنیای داستان و نمایش‌نامه تعریف شده است. شخصیت پردازی منجر به شناخت و درک رفتار و گفتار اشخاص ساخته شده در داستان می‌گردد. به طور کلی هر نویسنده‌ای در شخصیت پردازی، با شخصیت‌های داستانش زندگی می‌کند، به آنها علاقه دارد و تداعی‌های ذهنی را از زبان شخصیت‌های داستانی بیان می‌کند و داستان را به کمک رفتارها و گفتار شخصیت‌های داستانی پیش می‌برد.

زاویه دید

► ۵- زاویه دید: پنجمین عنصر از عناصر داستانی زاویه دید است. زاویه دید به معنی روایت داستان از زوایای مختلف است و مشخص می‌کند که داستان از زبان چه کسی روایت می‌شود و «نقال و روایت کننده داستان» چه کسی است. زاویه دید به معنای "نوع نگاه به شخصیت‌ها، رویدادها، زمان و مکان" در داستان است. زاویه دید در داستان، شیوه ارائه و چگونگی نقل روایت است. زاویه دید به سؤالاتی همچون «راوی کیست؟» یا «داستان از نگاه چه کسی بازگو می‌شود؟» پاسخ می‌دهد. پس معمول‌ترین شیوه‌های روایت عبارتند از: **روایت اول شخص**: در روایت اول شخص، نویسنده یکی از افراد داستان است. حتی گاهی نویسنده در این روایت قهرمان اصلی داستان است. **روایت سوم شخص**: در روایت سوم شخص، نویسنده نگاهی بیرونی به داستان دارد. بیرون از داستان قرار می‌گیرد و مانند یک گزارشگر اعمال قهرمانان را گزارش می‌دهد.

داناى كل: در طول تاريخ، سوم شخص داناى كل متداولترين شكل زاويه ديد بوده است. بسيارى از آثار كلاسيك از جمله آثار جين آستن، لئو تولستوى و جرج اليوت از اين دسته هستند. اين نوع روايت شامل راوى اى با ديد، دانش، زاويه ديد فراگير و هر چيزى كه در دنياى داستان اتفاق مى افتد مى شود، شامل تمام افكار و احساسات شخصيت ها. اين روش همچنين گاهى اوقات صبغه ذهنى نيز به خود مى گيرد. يكى از مزايای اين روش بالا بردن حس اطمینان در پيرنگ است. داناى كل كمترين قابليت را براى نامعتبر بودن دارد، هر چند مى تواند داناى كل شخصيتى مجزا داشته باشد و قضاوت ها و نظرات خود را درباره شخصيت ها ارائه كند. به علاوه مى تواند اين حس را تقويت كند كه راوى واقعى است (بنابراين داستان حقيقت دارد). مزيت اصلى اين روش مناسب بودن براى داستان هاى بزرگ، فراگير و حماسى است يا داستان هاى پيچيده اى كه چند شخصيت در آن نقش دارند. مشكل اين روش ايجاد فاصله ميان مخاطب و داستان است و حقيقت اين است كه پيوستگى داستان هاى فراگير يا حماسى با هزارن شخصيت (در حالى كه شخصيت سازى بهتر است محدود باشد) باعث مى شود خواننده قدرت تشخيص يا همدردى با شخصيت را از دست بدهد. يك مثال كلاسيك از مزيت و مشكل اين روش ارباب حلقه ها اثر جان رونالد روئل تالكين است. برخى نويسندگان و منتقدان ادبى بين سوم شخص داناى كل و داناى كل جهانى تفاوت قائل هستند، تفاوت داناى كل جهانى در اين است كه راوى از صنعت اطلاعاتى را نشان مى دهد كه شخصيت ندارد (آبرونى). معمولاً داناى كل جهانى اين نظر را تقويت مى كند كه راوى هيچ ارتباطى با اتفاقات داستان ندارد.

۶- پیرنگ

► ای.ام. فورستر در کتاب «جنبه‌های رمان» پیرنگ را این‌طور تعریف می‌کند: «ما داستان را روایتی می‌دانیم که در آن حوادث و رخدادها برحسب ترتیب و توالی زمانی مرتب شده‌اند. پیرنگ نیز نقل حوادث و روایت رخدادهاست با تکیه بر موجبیت و روابط علت و معلول.» بهرام مقدادی در کتاب «فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی» درباره پیرنگ بیان داشته است: "پیرنگ عبارت است از نقشه، طرح یا الگوی رخدادها در یک نمایش، شعر یا قصه". او همچنین در جای دیگر از کتاب پیرنگ را "توالی حوادث یک داستان" دانسته است. در پیوستار فضا/ زمان، پیرنگ پرسش‌های پی درپی خواننده را در پی دارد. پرسش‌هایی همچون: چرا آن اتفاق رخ داد؟ چرا این اتفاق می‌افتد؟ پس از این چه اتفاقی روی خواهد داد و چرا؟

صحنه

۷- صحنه

هر داستان در مکان و زمانی اتفاق می‌افتد. **صحنه، ظرف زمانی و مکانی وقوع عمل داستانی است.** ظرف زمان به دوره تاریخی معینی اشاره دارد. مفهوم مکان در صحنه داستان نیز تا حدی شبیه مفهوم "میزانسن" در هنر نمایش است. برای مثال، صحنه رمان "چشم‌هایش" اثر بزرگ علوی به قبل از سال ۱۳۲۰ شمسی (ظرف زمانی) در ایران (ظرف مکانی) برمی‌گردد. سیما داد در تعریف صحنه بیان می‌دارد: **"صحنه در داستان نویسی عبارت است از ظرف مکانی و زمانی که داستان در آن بروز می‌یابد."** صحنه، عملی پیاپی از توصیف‌ها در قالب زمینه داستان است که باید حسی را در خواننده برانگیزد که انگار در واقعیت مشغول مشاهده و شنیدن آن صحنه بوده است. "شخصیت"، "حادثه" و "صحنه" را سه عنصر اصلی داستان کوتاه دانسته‌اند. همچنین صحنه یکی از عناصر اصلی در داستان بلند و رمان به شمار می‌آید؛ چرا که همان‌گونه که "بوئن" می‌نویسد، هیچ اتفاقی در "ناکجاآباد" رخ نمی‌دهد و الصاق مکان و زمان به شخصیت و حوادث داستان هویت خواهد داد. صحنه داستان نقطه مشترک سایر عناصر داستانی است. عناصری همچون طرح داستان، ساختار، شخصیت‌پردازی، موضوع و کنش‌ها.

گفت‌وگو

۸- گفت‌وگو

گفت‌وگو، به معنای صحبت با هم و مبادله افکار، اعتقادات، تصورات و ... است. صحبتی که میان شخصیت‌های داستان یا حتی در ذهن شخصیت واحدی در داستان صورت می‌گیرد، گفت‌وگو نامیده می‌شود. گفت‌وگو پیرنگ را گسترش می‌دهد، درون‌مایه را معرفی می‌کند و عمل داستانی را به جلو می‌برد. گفت‌وگو کارکردهای متنوعی در آثار نمایشی و داستانی دارد. گفت‌وگو اطلاعاتی را در مورد شخصیت، مکان، زمان، حوادث و کنش‌ها در داستان ارائه می‌دهد و منجر به فضاسازی در داستان می‌گردد. گفت‌وگو همچنین زمینه‌ساز درگیری‌های حسی و فیزیکی است و عامل اصلی فعل و انفعالات در داستان است.

لحن

▶ ۹- لحن

▶ جمال میرصادقی در کتاب خود با عنوان «عناصر داستان» لحن را نوع برخورد نویسنده در برابر خواننده می‌داند. می‌توان گفت که لحن در داستان شبیه لحن در گفتار است. لحن در گفتار نیز به معنای حالت بیان جملات است که ناشی از تلقی گوینده از موضوع است. در داستان نیز شخصیت‌ها را از طریق لحن آنان می‌شناسیم و با آنان ارتباط برقرار می‌کنیم. در داستان، لحن، "نقطه نظر و دید نویسنده نسبت به موضوع" است. لحن در داستان می‌تواند، رسمی، غیررسمی، صمیمانه، مؤدبانه، جدی، طنز و ... باشد. واقعه‌ای واحد از نگاه ناظران مختلف به گونه متفاوتی برداشت می‌شود. برای مثال واقعه طلاق می‌تواند از نگاه راویان گوناگون به شیوه‌های متفاوت و در قالب لحن طعنه‌آمیز، طنز آلود، تحقیرآمیز و یا دلسوزانه روایت شود. لحن "احساس نویسنده" را به داستان و خواننده منتقل می‌کند و منجر به "انسجام داستان" می‌شود.

فضاسازی: زمان، مکان، صحنه

▶ ۱۰- فضا

▶ سیما داد می‌گوید که واژه " اتمسفر " به " تأثیرات اثر هنری " اشاره دارد. در ادبیات فضا به حالت غالب بر صحنه، توصیفات و گفت‌وگو در داستان اشاره دارد و علاوه بر دلالت به جزئیات جسمانی و روانی آن مجموعه، بر خواننده نیز تأثیرگذار است. فضا و رنگ، هوایی است که خواننده در اثر هنری استنشاق می‌کند. به عنوان مثال از فضای مخوف می‌توان فضای تیره و ترسناک و پرتنش ناشی از حضور جادوگر در پرده اول " مکبث " از " شکسپیر " را در نظر گرفت.

زبان

▶ ۱۱- زبان

▶ زبان را شیوه سخن گفتن نویسنده دانسته‌اند. زبان طیف گسترده‌ای را در برمی‌گیرد که در یک سوی آن قواعد دستوری و صرف و نحو؛ در میانه آن آرایه‌های زبانی و در انتهای دیگر آن کارکردهایی مانند طنز، توصیف و گفت‌وگو قرار دارد. زبان می‌تواند از سوی راوی و یا نویسنده اختیار شود. وقتی که گفته می‌شود، زبان داستان نمادین یا استعاری یا مثلا طنزآلود است یعنی عنصر مسلط زبان بر روایت، استعاری یا طنز است. زبان وسیله بیان درونیات و ذهنیات است. آنچه به خیال و تصوره‌های نویسنده وجهی عینی می‌بخشد زبان است. زبان به عنوان عنصری اساسی و ارتباطی به حساب می‌آید. عنصری که نویسنده را قادر می‌سازد تا با آگاهی و آشنایی به فرهنگ گذشته و حال، با آگاهی از ذات کلمات، بهترین کلمات و عبارات را در بهترین موقعیت در داستان بنشانند.

زمان

۱۲- زمان

داریوش عابدی بیان می‌کند که در داستان هم، زمان وجود دارد. هر داستانی از لحظه مشخصی شروع می‌شود و پس از طی زمان به پایان می‌رسد. بدون عنصر زمان هیچ داستانی نمی‌تواند وجود داشته باشد. آنچه در داستان‌های مختلف متفاوت است، مدت زمان نام دارد. هر حادثه در داستان در زمانی خاص اتفاق می‌افتد. نویسنده داستان مقدار معینی از زندگی شخصیت اصلی یا سایر اشخاص را به صورت زمان واقعی داستان، و در گستره‌ای بین ساعت، روز، هفته، ماه، سال و ... یا حتی دوران کودکی تا پیری شخصیت یا اشخاص بیان می‌کند. حوادث داستان ممکن است در یک دقیقه، یک ساعت، یک روز، یا یک سال و یا چند سال... اتفاق بیفتد، اما خواننده با خواندن داستان متوجه حضور زمان در داستان می‌شود. پس نمی‌توان داستانی نوشت که در آن زمان مجهول و مغفول بماند. زمان به نویسنده کمک می‌کند تا زمان دقیق حوادث و رویدادهای داستان را مشخص کند. همچنین از طریق رفت و برگشت در عنصر زمان می‌توان بسیاری از واقعیت‌های زندگی در گذشته و اکنون را بیان کرد.

مکان

۱۳- مکان

عبدالحسین بقال لاله بیان می‌دارد که مکان، فضای واقعی وقوع داستان است که منجر به هویت‌بخشی به اثر می‌گردد. در آثار نمایشی "زمینه" پذیرش شخصیت و تناسب آنها با محیط را آسان‌تر می‌کند. بی‌مکانی اغلب به عنوان یک عارضه تلقی می‌گردد که نشان از پنهان‌کاری نویسنده دارد. به‌گونه‌ای که نویسنده از این طریق بر آن است تا از آزار و اذیت عوامل محدود کننده در امان باشد. باید توجه داشت که **هر داستان در یک بستر مکانی اتفاق می‌افتد که نمی‌توان به آن بی‌توجه بود؛** چرا که بی‌مکانی در اثر نشانه ایستایی جامعه است. مکان‌ها ممکن است مثل قبرستان، جاده، گذر و ... عمومی باشند. مکان‌های عمومی بیشتر ظرفیت جهان شمول‌نگری را پذیرا هستند. برخی دیگر از مکان‌ها مثل کوه المپ، معبد دلفی، تخت جمشید و ... نیز خاص هستند، نویسنده با وصف یک مکان باید تصویری روشن و قانع‌کننده از آن مکان را پیش روی خواننده قرار دهد. نکته مهم این است که نویسنده نباید در توصیف مکان از محیط خود فاصله بگیرد؛ بلکه باید اشخاص داستان را در محیط‌های آشنا حفظ نماید تا منجر به ناکامی خوانندگان در درک محیط داستان نگردد.

۱۴ - حادثه

▶ ۱۴ - حادثه

▶ از تقابل یا اتحاد دست کم دو چیز یا نیرو با هم حادثه به وجود می‌آید. حادثه پیرنگ را برای آشکار کردن خصوصیت شخصیت‌ها به پیش می‌برد. در داستان کوتاه، هر حادثه باید دومینووار در پس حادثه دیگر آمده و از این طریق به شکل‌دهی شخصیت کمک نماید. این حوادث در راستای عنصری به نام **انتظار** در حرکت خواهند بود. **انتظار با کمک حوادث داستانی به اوج داستان منتهی می‌شود.**

۱۵- سبک

۱۵- سبک

سبک در حقیقت، نشان‌دهنده «طرز تفکر و شخصیت نویسنده یا شاعر» است. نویسنده انگلیسی جاناتان سويفت، در تعریفی **سبک را کاربرد کلمات مناسب در جای مناسب می‌داند.** وی تأکید داشت که «سبک» نوشته باید با **مطلب، موقعیت و مخاطبان داستان متناسب باشد.** در تعریفی دیگر «سبک» را شیوه‌ای منحصربه‌فرد هر نویسنده برای بیان مفاهیم دانسته‌اند. سبک هم در شعر و هم در داستان کاربرد دارد. به عبارت دیگر سبک چگونگی بیان مطالب توسط نویسنده یا شاعر است. در بررسی و تجزیه و تحلیل سبک هر نویسنده به عناصری از جمله عقاید، واژگان، تصویر خیال، ساختار جملات، ضرب‌آهنگ، تکرار، انسجام، تأکیدات، وحدت و لحن توجه می‌شود.

تکنیک

۱۶- تکنیک

مصطفی مستور تکنیک داستان را مجموعه‌ای از روش‌ها می‌داند که در قالب‌بندی روایت منظور می‌گردد. در این تعریف باید توجه داشت که **اولا تکنیک روش است. ثانيا این تکنیک تنها در فرم روایت و نه در معنای آن به کار می‌رود. به عبارت دیگر تکنیک ابزاری است که «چگونه گفتن» را نمایان می‌سازد و نه چه گفتن را.** در همه اشکال هنری و از جمله رمان، تکنیک نقشی لازم را به عهده دارد؛ چراکه «هنر بدون تکنیک قابل تصور نیست». آنچه بدون تکنیک قابل تصور است محتوا یا تجربه بوده که به آن نمی‌توان هنر گفت. تکنیک همه شیوه‌هایی که داستان‌نویس برای ایجاد ساختار ادبی داستان به کار می‌برد، شامل می‌شود. این شیوه‌ها شامل تبیین پیرنگ، مفاهیم، شخصیت، زاویه دید، صحنه، شیوه‌های تمثیل، نماد و سبک است.

تعليق در داستان

معناي تعليق

▶ کلمه‌ی تعليق در داستان به معناي معلق نگه داشتن خواننده نسبت به جريان داستان است اعم از حادثه‌ی آن، عمل داستانی و یا انتخاب شخصیت و... در واقع تعليق عنصری است که با شک و تردید هم معناست و این شک و تردید خواننده را وا می‌دارد تا داستان را دنبال کند و به او امکان حدس زدن‌هایی را در ارتباط با ادامه‌ی داستان و فرجام ماجرای داستانی می‌دهد.

▶ جایگاه تعليق در داستان

▶ آیا می‌توان خواننده‌ی بی‌حوصله‌ی امروز را که در دنیای سرعت زندگی می‌کند و نیتش از خواندن یک متن شاید تفریح و وقت‌گذرانی یک روز تعطیل و خسته کننده باشد بدون برانگیختن حس عدم اطمینان از پایان وقایع داستان و هیجان مربوط به ماجرا و شخصیت داستانی تا پایان داستان حفظ کرد؟

▶ در گذر زمان و با توجه به بالا و یا پایین آمدن میزان حساسیت انسان به برخی مسائل، نحوه‌ی نگارش داستان نیز تحولات چشم‌گیری داشته‌است. یادتان باشد داستان برای انسان نوشته می‌شود و همین امر تاثیر نحوه‌ی زندگی و اندیشه‌ی انسان را در تغییر نگارش داستان سبب می‌شود.

▶ به نظر می‌رسد امروزه بیشتر از هر چیز شخصیت و شخصیت‌پردازی بر داستان‌ها حکومت می‌کند. اما به گمانم یک متن ادبی تا زمانی که میل و رغبت خواننده‌اش را برای دنبال کردنش ایجاد نکند، نمی‌تواند بخت این را داشته باشد که خوانده شود. هنوز میل پاسخ به این سؤال که بعد چه خواهد شد در خواننده‌ی امروزی بهترین راه تشویقش برای خواندن متن است.

اندازه داستان کوتاه چه قدر است؟

▶ متوسط داستان کوتاه حدود ۳۰۰۰ تا ۷۰۰۰ کلمه است، اما می تواند تا ۱۰ هزار کلمه باشد و هنوز هم به عنوان "داستان کوتاه" طبقه بندی شود. یک داستان کوتاه با ۱۰۰۰ کلمه یا کمتر را flash fiction می نامیم و یک داستان با ۵۰۰ کلمه یا کمتر یک microfiction است. به عبارت دیگر، طول داستان کوتاه بسیار ساده است! اگر یک قطعه داستانی را که ۱۰ هزار کلمه یا کمتر است خوانده اید، می توانید آن را یک داستان کوتاه نامگذاری کنید. اگر کمتر از ۱۰۰۰ کلمه باشد، می توانید آن را فلش فیکشن یا ریز داستان (microfiction) بنامید، اما هر دوی اینها زیرمجموعه داستان کوتاه هستند.

▶ میانگین تعداد کلمات یک داستان کوتاه در حدود ۵ یا ۶ هزار کلمه را شامل می شود. برای مثال، متن داستان کوتاه "شناگر" جان چپور تقریباً ۵۰۰۰ کلمه است، "لاتاری" شرلی جکسون حدود ۳۰۰۰ و داستان "Cat Person" - داستان نیویورکر که در اواخر سال ۲۰۱۷ منتشر شد - کمی بیش از ۷۰۰۰ کلمه است.

▶ در اینجا یک اینفوگرافیک وجود دارد که تعداد کلمات ده داستان کوتاه معروف را مقایسه می کند؛ همه عناوینی که در زیرآمده اند جزو داستانهای کوتاه حساب می شوند. برای تسهیل در انتقال اطلاعات این نمودار، برای مثال داستان لاتاری حدود ۲۰۰۰ کلمه را شامل می شود و داستان گربه سیاه حدود ۴۰۰۰ کلمه.

در اینجا یک اینفوگرافیک وجود دارد که تعداد کلمات ده داستان کوتاه معروف را مقایسه می کند؛ همه عناوینی که در زیرآمده اند جزو داستانهای کوتاه حساب می شوند. برای تسهیل در انتقال اطلاعات این نمودار، برای مثال داستان لاتاری حدود ۳۰۰۰ کلمه را شامل می شود و داستان گربه سیاه حدود ۴۰۰۰ کلمه.



از باغ می برند
چراغانیت کنند

کتاب زندگیتان خوانااترین باد